

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج فقه

سال تحصیلی (۱۴۰۱ - ۱۴۰۲)

مشهد مقدس

توسط استاد:

سید ابوالفضل طباطبایی اشکذری

فقه‌المسجد (مسجد تراز انقلاب اسلامی)

درس چهاردهم: (دوشنبه ۱۴۰۱/۰۸/۰۹؛ برابر با ۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴)

الباب الثاني: امکانات المسجد

الثالث: قضاء حوائج الناس (تقديم الخدمات الاجتماعية للمجتمع)

مقدمه

کلام در باب امکانات المسجد بود؛ گفتیم یکی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های در مسجد بحث «قضاء حوائج الناس» است که می‌توان عنوان «تقديم الخدمات الاجتماعية للمجتمع»؛ یعنی ارائه خدمات اجتماعی به جامعه را جایگزین عنوان «قضاء حوائج الناس» در امکانات المسجد نمود.

موضوع امکانات المسجد را در سال قبل و جلسات گذشته سال جاری به‌طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار دادیم و گفتیم که در چه بخش‌هایی می‌توان از ظرفیت و توانمندی‌های مسجد برای جامعه بهره برد. بخش عمده‌ی این توانمندی‌ها در بخش آموزش بود که در ذیل آن انواع تعلیم در مسجد (تعلیم دینی، تربیتی، قرآن، تاریخ و دشمن‌شناسی و...) را مطرح نمودیم؛ پس از آن به بحث تعلم مطلق العلم پرداختیم که آیا رجحان (استحباب) دارد یا مباح است؟ به‌طور گسترده بدان پرداختیم و در آخرین جلسه پیرامون این بحث به این نتیجه رسیدیم که علم و تعلم آن به‌عنوان اولیه، هم رجحان عقلی دارد و هم از باب ملازمه‌ی «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع»؛ از استحباب شرعی برخوردار است.

امکانات المسجد: تقديم الخدمات الاجتماعية للمجتمع

اکنون که این بحث به پایان رسید؛ وارد مسئله جدیدی از امکانیات المسجد می‌شویم که در ابتدای جلسه آن را با عنوان «تقديم الخدمات الاجتماعية للمجتمع»؛ یعنی نقش مسجد در ارائه خدمات اجتماعی برای جامعه، مطرح نمودیم.

یکی از اموری که می‌توان آن را در امکانیات المسجد اعتبار کرد؛ اهتمام به مسائل اجتماعی و برآوردن نیازهای مردم و برطرف کردن مشکلات و آسان کردن امور برای آن‌هاست. مسئله‌ای که باید بدان توجه نمود این است که اگر مسجد بما هو مسجد بخواهد مسجد واقعی اسلامی و تمدن‌ساز یا به اصطلاح، مسجد تراز اسلامی باشد نمی‌تواند نسبت به مسائل اجتماعی جامعه بی تفاوت باشد.

به صرف این که درب مسجد در اوقات نماز باز شود و نمازی در آن خوانده شود کفایت می‌کند! مسجد تمدن‌ساز نسبت به مسائل اجتماعی از قبیل برآوردن نیازها، برطرف کردن مشکلات و آسان کردن امور برای مردم نمی‌تواند بی تفاوت باشد.

این موارد در عصر پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام نیز در مسجد انجام می‌شده و مسئله‌ی تازه‌ای نیست که امروزه بخواهیم آن را ایجاد کرده و پیرامونش صحبت کنیم؛ لکن از باب این که مورد غفلت واقع شده باید آن را دوباره بیان نمود.

از این رو می‌گوییم: «هذا كان من الأعمال المسجدية في عهد رسول الله ﷺ والائمة المعصومين علیهم السلام»؛ این توانمندی و ظرفیت از اعمال مسجد و از مسئولیت‌های آن در زمان رسول الله و ائمه معصومین علیهم السلام بوده است. نمونه‌هایی را از باب تأیید بر این مطلب بیان می‌کنیم:

۱. سیره‌ی رسول خدا ﷺ در تقسیم اموالی از قبیل هدایا، صدقه و ... میان مردم

ایشان این کار را در مسجد انجام داده‌اند؛ یعنی ایشان این اموال را با محوریت مسجد میان مردم توزیع می‌کرده

است.

در همین رابطه ابن کثیر روایتی را از «بخاری» این گونه نقل می کند:

قَالَ الْبُخَارِيُّ وَقَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ طَهْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ أَنَسٍ «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُتِيَ بِمَالٍ مِنَ الْبَحْرَيْنِ، فَقَالَ: «اُنْثُرُوهُ فِي الْمَسْجِدِ». فَكَانَ أَكْثَرَ مَالٍ أُتِيَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۱.

انس آورده که مالی از بحرین نزد پیامبر ﷺ آوردند؛ سپس ایشان فرمودند: آن را در مسجد پخش کنید. این

بیشترین مالی بود که تا آن زمان نزد رسول خدا ﷺ آورده بودند.

پیامبر ﷺ تقسیم آن را از مسجد شروع کرد؛ یعنی سیره پیامبر این چنین بود که مسجد را مرکز اصلی حمایت

اقتصادی جامعه و رسیدگی به امور آن قرار می داد. این کار عملی موردی از سوی پیامبر نبوده است، بلکه انجام

این کار همیشگی و جزء سیره پیامبر ﷺ بوده است، حتی بسیاری از تقسیم غنائم را نیز در مسجد انجام می دادند.

پس این ماجرا تنها نمونه در سیره پیامبر نبوده است.

سؤال: پیامبر با چه عنوان مالی (خمس، زکات، صدقه، هدیه و ...) آن پول را در مسجد تقسیم کرده اند؟

جواب: در روایت به این مورد اشاره نشده است؛ البته در بحث ما نیز این که تحت چه عنوانی تقسیم شده،

اهمیتی ندارد. بیشتر این اموال از باب هدایای رسیده به دست پیامبر و یا از وجوهات شرعی بوده است؛ اما آن چه

در این بحث برای ما مهم است، استفاده از توانمندی و ظرفیت های مسجد برای رسیدگی به امور جامعه، ارائه

خدمات اجتماعی، برآوردن نیازهای مردم، تسهیل امور، برطرف کردن مشکلات و حمایت اقتصادی از آنها با

مرکزیت مسجد است. پیامبر ﷺ نیز به این مهم اهتمام داشته است.

۲. نمونه ی دیگری را از فقها عرض می کنیم و به آن استدلال می نماییم و یا آن را از باب تأیید می آوریم؛ البته

بهتر است اینجا به عنوان مؤید به حساب آوریم. فقهای ما نیز معتقدند بر این که برخی از امور اقتصادی، حمایت های

اقتصادی، کمک و رسیدگی به امور جامعه در مسجد انجام بشود؛ همانند آن چیزی که فقها درباره اجرای وصیت، نذر و صدقه دادن در مسجد به آن فتوا داده‌اند و باید ملتزم به انجام آن در مسجد شد.

صاحب جواهر^۱ در کتاب خویش روایتی را در باب نذر^۲ و مسائل صدقه^۳ نقل می‌کند. روایت این گونه دارد:

عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ جَعَلَ عَلَى نَفْسِهِ نَذْرًا إِنْ قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَتَهُ أَنْ يَتَصَدَّقَ فِي مَسْجِدِهِ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ نَذْرًا فَقَضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَتَهُ فَصَيَّرَ الدَّرَاهِمَ ذَهَبًا وَوَجَّهَهَا إِلَيْكَ أَ يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ يُعِيدُ قَالَ: يُعِيدُ...»^۴.

علی بن مهزیار نقل کرده که به ابی الحسن^۴ گفتم مردی نذری را بر خودش واجب کرده که اگر خدا حاجتش را بدهد، در مسجد هزار درهم صدقه بدهد؛ خدا حاجت او را برآورده کرد او یک تصرفی کرد و درهم‌ها را تبدیل به طلا نمود و برای شما فرستاد. آیا این کار جایز است یا نه؟ [یعنی نذر کرده بود هزار درهم در مسجد صدقه بدهد؛ اما آن‌ها را تبدیل به طلا کرده و نزد امام هادی^۵ فرستاده و آن‌را در مسجد صرف نکرده است. علی بن مهزیار از جایز بودن یا نبودن این کار از امام^۶ سؤال کرد که باید به نذرش عمل کند و نذرش را اعاده کند یا نه؟] امام^۷ در پاسخ فرمودند: باید اعاده کند.

این جا دو تصرف در نذر انجام شده است:

۱. درهم‌ها به طلا تبدیل شده است.

۲. به جای به کار رفتن در مسجد آن‌ها را نزد امام^۸ فرستاده است.

۱ - جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۳۸۱، متعلق النذر.

۲ - جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۴۲۰، مسائل الصدقة.

۳ - کافی، ج ۷، ص ۴۵۶، ح ۱۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۳۰۵، ح ۱۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۳، ص ۳۰۹، ح ۱.

۴ - علی‌الظاهر مقصود از ابی الحسن در این جا باید امام هادی علیه‌السلام باشد.

امام علیه السلام نیز حکم به اعاده‌ی آن مال نمود، گویا آن زمان که مال را پیش امام فرستاده، نگفته است که مال برای چیست! امام علیه السلام نیز آن را مصرف کرده است؛ آنگاه امام پس از دانستن موضوع به اعاده آن مال حکم کرده است.

صاحب جواهر پس از نقل این روایت می‌فرماید: «هو شاهد علی ما قلناه بناء علی أن المراد یعید الصدقة فی مسجده»^۱؛ این اعاده کردن تنها ناظر به درهم و دینار نیست، بلکه باید در مسجد اعاده نمود؛ بنابراین مقصود این است که امام علیه السلام می‌خواهد بفرماید که صدقه‌اش را باید در مسجد اعاده کند.

پس علاوه بر این، فتوای فقها نیز این چنین است که اگر نذری یا عهدی در مسجد شد باید در همان مسجد به کار رود و این حکایت از اهمیت موضوع هم از جهت نذر و هم از جهت التزام به کارگیری آن است که باید نقش مرکزیت مسجد در حمایت اقتصادی باقی بماند. این برداشت مفهومی از این روایت است.

فتوایی شبیه همین را برخی از فقها از جمله مقام معظم رهبری مدظله‌العالی دارند؛ این چنین از ایشان سؤال کردند: «وقف شخص دکانه لإنشاء صندوق القرض الحسن فیه تابع للمسجد، وقد مات وبقی المحل عدة سنوات مغلقاً، وهو الآن فی معرض الخراب والانهدام، فهل تجوز الإستفادة منه فی أعمال أخرى؟»

ایشان در جواب فرمودند: «إذا تم وقف الدکان لإنشاء صندوق القرض الحسن فیه، ولكن لم یکن هناك حاجة فعلية لإنشاء صندوق القرض فی ذلك المسجد، فلا مانع من الإستفادة منه لصنادیق القرض الحسن الأخری التابعة لبقية المساجد. وإن لم یمكن هذا أيضاً فتجوز الاستفادة منه فی وجوه البر»^۲.

۱ - جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۴۲۰.

۲ - اجوبة الاستفتائات، ج ۲، ص ۱۸۵، س ۹۵۸ و در سایت مقام معظم رهبری سوال ۲۰۴۲.

سؤال کردند که، فردی مغازه خود را برای ایجاد صندوق قرض الحسنه وابسته به مسجد وقف کرده و از دنیا رفته است و چندین سال است که آن مکان بسته مانده و در حال حاضر در معرض خرابی است، آیا استفاده از آن برای کارهای دیگر جایز است؟

مقام معظم رهبری در پاسخ فرموده‌اند: اگر وقف مغازه برای ایجاد صندوق قرض الحسنه در آن، محقق شده باشد و فعلاً نیازی به ایجاد صندوق قرض الحسنه در آن مسجد نباشد، استفاده از آن برای صندوق‌های قرض الحسنه‌ای که وابسته به مساجد دیگر باشد، اشکال ندارد و اگر این هم ممکن نباشد استفاده از آن در هر کار خیری جایز است.

پس انشاء صندوق قرض الحسنه در مسجد مطابق فتوا «جائز» از ظرفیت‌های مسجد است و هر کس که وقف نمود، مسجد باید مرکزیت داشته باشد؛ و اگر این مسجد نشد، باید به سراغ مسجد دیگری بروند.

پس آنچه بیان شد، مرکزیت مسجد را علی‌الخصوص برای ارائه خدمات اجتماعی-اقتصادی و حمایت‌های اقتصادی از فقرای جامعه و به اصطلاح امروزی دهک‌های پایین آن تأیید می‌کند.

۳. یکی دیگر از نمونه‌هایی که مؤید سخن ما است و سخن ما را تأیید می‌کند، روایتی است که جناب حمیری آن را نقل کرده است:

أَبُو الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ عليه السلام: «أَنَّ الْمَسَاكِينَ كَانُوا يَبْتَئُونَ فِي الْمَسْجِدِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله. فَأَقْطَرَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله مَعَ الْمَسَاكِينَ الَّذِينَ فِي الْمَسْجِدِ ذَاتَ لَيْلَةٍ عِنْدَ الْمِنْبَرِ فِي بُرْمَةٍ، فَأَكَلَ مِنْهَا ثَلَاثُونَ رَجُلًا ثُمَّ رَدَّتْ إِلَى أَزْوَاجِهِ شَبْعُهُنَّ!»^۱

امام صادق از پدرش امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که در زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله مساکین در مسجد می‌خوابیدند، شبی پیامبر همراه مساکین در کنار منبر روزه خود را افطار نمودند و از غذایی که در دیگی سنگی نهاده شده بود

میل فرمودند و به برکت حضور حضرت، سی نفر از آنان از آن غذا خورده و سیر شدند، سپس آن ظرف نزد همسران حضرت بازگردانده شد و همه‌ی آنان نیز سیر شدند.

آنچه در این روایت مورد استناد است، اشاره به برآورده شدن و تأمین حاجت مساکین و فقرا از جمله مسکن و غذا در مسجد است؛ همچنین همراهی رهبر جامعه با آنها در مسجد انجام شده است؛ یعنی هم در حوزه‌ی فرهنگی و اقتصادی و هم در حوزه‌ی مسکن از سوی مسجد انجام شده است.

البته این روایت به جهت وجود ابوالبختری دچار ضعف است؛ همان گونه که نجاشی درباره‌ی وی فرموده بود: «و کان کذاباً»؛ وی کذاب بوده است؛ اما از باب این که این روایت در جاهای دیگر نقل شده و مضمونش در جاهای دیگر آمده است، وجود ابوالبختری، به این روایت ضرری نمی‌زند.

موسسه علمی فرهنگی
موسسه علمی فرهنگی